



۲۰۱۶/۱۲/۱۷

صلاح الدین سعیدی

## مشاور بازی و راه حل!

کرسی های دولتی در جهان امروز در حکومت های نورمال معمولاً به دو نوع تقسیم می شوند:

۱- کرسی و پوست سیاسی.

۲- و کرسی و پوست مسلکی.

چنانچه از نام آن پیداست کرسی های سیاسی مانند وزیر، والی، سفیر و... به اساس نتایج انتخابات و وزنه سیاسی عزل و نصب می شوند. ای کاش این انتصاب سیاسی در مورد شخصی صورت گیرد که فهم مسلکی نیز داشته باشد. در زمان جناب ح. کرزی ازین مسأله در موارد زیاد سوء استفاده شده و داد و ستد های مافیایی را به این مسأله مغالطه کردند؛ اما در عزل و نصب متخصصین البته که اصل وفاداری به وطن، قانون، فهم مسلکی، نتایج مثبت کاری چون قبلاً قبلاً به عمل آمده بود، معتبر بوده و عزل و نصب این اشخاص به نتایج انتخابات ربطی نداشته، بلکه به کادر مسلکی مانند سرمایه ملی ارج گذاشته می شود.

درین مبحث آنقدر باریکی هایی وجود دارد که عدم دقت به آن سبب بلایا و خطا های بزرگ دیگر می شود، مثلاً تأکید یک جانبه به حاکمیت مسلکی موجب ایجاد حاکمیت های تجرید شده از ملت و دیسانت شده و بر ملت تحمیل هم می گردد که ما بلایای آنرا نیز دیده ایم. افراط در فهم کرسی سیاسی و یا فهم کرسی مسلکی در یک رشته برگزیده شده، داشته و یا توان تفکیک برنامه خوب، مطابق پالیسی انتخاباتی حزب که ملت به آن رای داده باشد، نیز جوانب قابل دقت می باشند. اما در شرایط افغانستان، کدام انتخابات و کدام برنامه و کدام حزب؟ مسلم است که حاکمیت فعلی جناب داکتر غنی و جناب داکتر عبدالله به اساس توافق بر برنامه ای شکل نه گرفت که سر آغاز مشکل هم از همین حقیقت سرچشمه می گیرد.

این ده ها مسایلی که برای تصحیح آنها باید کار و جهت دهی درست صورت گیرد. در مصلحت گرایی بخاطر اینکه در شکلیات منحصر شده و جوانب دیگر نفس قضیه در نظر گرفته نه شده، اکثراً منجر به ایجاد حاکمیت ها، عزل و نصب حلقات مفسد مافیایی و جنایت کار گردیده و باز هم قانون و حق ملت پایمال می شود.

افراد مسخ شده و برخاسته از بین کثافت اخلاقی، ایمانی و وجدانی، اجبران و متعهدین به منابع دشمن و تاجران به خون قوم و سمت تشنه، بر وضع مسلط گردیده و این پروسه همینطور دوام دارد. این حالت، البته که اداره و نظام را به نابودی سوق داده و در نتیجه، در کارها قبل از اینکه به رضای ملت توجه شود به رضا و علائق رأس مافیایی و سرگروپ جنایت کار و منافع آنان توجه صورت گرفته است. پس مبارزه احاد ملی و خیر خواه با چرخ مافیایی و فساد یا در مدت کوتاه خورد و خمیر گشته و و جزئی از آن شده و یا از سیستم و چرخ محو شده است.

مسئول دست اول سیاسی که بر کار اداره مهر و صحت سیاسی می گذارد، معمولاً قابل درک است که جامع الکمالات نباشد و بوده هم نمی تواند و ضرورت هم دارد که در بخش های مختلف مراجع مسلکی و فنی داشته باشد و آن مراجع تخصصی، مطالب و موضوعات را بصورت فنی و مسلکی مورد ارزیابی قرار داده و به اختیار مسئول دست اول اداره بگذارد تا وی به طرح سوالات و راه های حل منطقی و عملی بپردازد. این مورد متخصص؟! با تأسف که در ریاست جمهوری، پارلمان، سکتورهای وزارتی، ولایات به نحو دیگری عملی شده و روی دست است.

### راه حل:

**اول:** ضرورت چنین یک مشاوره با مؤثریت، فهم مسلکی، لایحه کاری و ایجاد میکانیسم کنترل برای دست آورد و کار اجراء شده ضرورت جدی است.

**دوم:** فعال کردن مرکز واحد، فعال کردن راستین مراکز علمی مانند اکادمی علوم و پوهنتونها و ایجاد روابط تنگاتنگ این مراجع علمی با ارگانهای دولتی ضرورت امروز است.

**سوم:** نشر و به مسابقه گذاشتن مسائل مطرح دولت و ازین طریق به بهترین راه های حل معضلات و مشکلات موجود در سکتور های مختلف حکومت و اداره، وسیله بهتر دستیابی به بهترین راه های حل، نزدیکی اداره به ملت و تقلیل ضرورت مشاورین است.

**چهارم:** دقت جدی داشتن که ارگان های موازی کار، ارگان های دولتی را مختل نه ساخته و ارگانهای مختلفه به عین مشکل از همان آغاز هر یک جداگانه مصروف نه گردیده؛ راه های پیموده شده دوباره پیموده نه شوند و ارگان کلید ساز مصروف کار ۱۸ ساعته باز کرد قفل انفرادی نه گردد. در بخش های زیادی از مسایل کشور مقامات ارشد کلید ساز مصروف اند که این نوع اداره، جداً پر مصرف بوده و کیفیت کار با طوالت متواتر آن بیش از حد با خطا های غیر قابل جبران مواجه می شود.

موجودیت شخص دوم کشور با تمام امکانات وی به حیث قومندان عملیات نظامی در علاقداری، به صورت قطع کار خطا و غیر قابل قبول است.

والی و مسئول دست اول کشور باید هر صبح بلا استثنا نشست کاری اطلاعاتی حوزه و زون خویش را داشته و این گزارش الی ساعت ۱۰ صبح حتماً به روی میز افراد دست اول کشور قرار گیرد و در یک جلسه کاری بس کوتاه از همه مناطق آگاهی حاصل کرده باشد. من از یک حادثه المناکی، هزارها کیلو متر دورتر از افغانستان با جزئیات آن خبر دارم اما زمانیکه خبر نگار از والی مربوطه در مورد می پرسد دیده می شود اصلاً از قضیه نمی داند. این چنین اداره مشکل دارد و درست نیست.

مشاور و مشاور بازی نباید به امتیاز دان خانه و مدرک عاید فوق العاده به دوست و آشنا مبدل شود، که شده است و نباید آنرا ساختار های داخل حزبی برای برنامه های حلقه کوچک شخصی و منحصر به قوم و سمت خاص ساخت. این ساختار ها نباید مرجع اصلی تصمیم گیری شوند و نباید ساختارهای متوازی در پهلوی ارگانهای مشروع و اصلی دولتی و حکومتی گردند.

ملت ناظر و شاهد بوده و در کشور افراد زیادی هستند که حقایق، مشکلات و راه های حل کوتاه و کم مصرف را می دانند، اما فرصت نه یافته و به هر قیمت در تلاش این فرصت هم نیستند.

ارتکاب عمل جرمی در کشورها و جوامع مختلف وجود دارد و مراجع عدلی و قضایی آنرا مورد پیگرد قرار می دهند که قابل چاره و فهم اند. مشکل زمانی جدی و خطرناک است که اگر حاکمیت سیاسی جزئی از حلقات جرمی و یا در خدمت شان بوده و مجریان جرم و جنایت باشند و تصوری ایجاد کنند که این مشکل حل ناشدنی است. این حالت مافیایی که در تمام ساحات زندگی امروز افغانستان موجود است، راه های حل مسلکی و فنی دارد و شرم بر آنانی که جرم و جنایت را با دیده درایی و پر رویی حمایت و پشتیبانی نموده و گمان دارند که به جان مردم خواهند زد. در حالیکه مردم خود می دانند چه می گذرد.

شرم و نفرت بر آن مشاوران و متخصصین فن؟! مشاوران فن که در کنار اشخاص دست اول کشور نشسته اند، غلطی، خطاء و تخلف را می بینند، راه های حل درست را نیز سراغ دارند اما یا بخاطر حفظ مقام و یا بخاطر جزئی از شر بودن، به حل مسایل مبادرت نمی ورزند. باید دانست که این فرصت کوتا که دارند می گذرد، جبروت ها گذشته و اینها هم خواهند گذشت و روی سیاه دنیا و آخرت خواهند شد. بجنبید تا دیر نه شده. و ما علینا الا البلاغ المبین.

پایان